

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نشریه پیشرو شماره ۴۴

نگاه

۱۶ اگست ۲۰۱۲

روزی روزگاری

روزی، روزگاری
در شهر گر گرفته کابل
قلب روشن تو با هزار دریچه می تپید
و از هر دریچه اش
شبانه مهتابی
و روز خورشیدی
فروزان بود.

روزی روزگاری
در شهر گر گرفته کابل
قلب تو می تپید با هزاران رود سرشار از عسل
و هزاران مجمر مالا مال از آتش.

روزانه از تراشه های کلامت خشت می ساختی
برای دیوارهای ناتمام و
خانه های به سر نرسیده
و شامگاهان با تارهای زرین عشق
پاره های گریزان آزادی را
بی وقفه

مادروار

بخیه می کردی.

فرزند زخم های بیشمار دی
و مردمک چشمهای روشن فردا بودی
نبض گرسنگان و پا برهنگان بر سرانگشتان داغ می تپید
و غبارگونه
دهلیزهای تار سرگذشت ما را چراغان می کردی.

دستی در آتش و
دلی در دریا
چون تندری بر پیشانی روزگاران دویدی و
رفتی

آگاه از روزی
روزگاری

که ابرهای بارور
تن تفیده این زمانه بی داد را
خواهند شست.

سرطان ۱۳۹۱